

**بیت العدل بدلی ناقض کرامت انسانی  
و عامل نفرت پراکنی علیه بهائیان ارتدکس**



## بیت‌العدل بدلی ناقض کرامت انسانی و عامل نفرت‌پراکنی علیه بهائیان ارتدکس

### در گفتگو با جناب کوروش جمالی

در هفته‌ی گذشته فرصتی پیش آمد تا با جناب کوروش جمالی، یکی از اعضای جامعه‌ی بهائیان ارتدکس ایران و از همراهان عزیز عهد و میثاق که با ارسال مقالات متعدد برای این وبگاه با ما همکاری داشته‌اند، گفتگویی داشته باشیم و از نقطه‌نظرات ایشان در موضوعات مختلف استفاده نماییم.

- کوروش عزیز، از این که دعوت ما را قبول کردی، متشکرم. به‌عنوان اولین پرسش، لطفاً بفرمایید تاریخ بهائیان حقیقی به چه زمانی بر می‌گردد و اصولاً چه تفاوتی بین دیدگاه بهائیان ارتدکس و بهائیان طرفدار بیت‌العدل فعلی وجود دارد؟

با تشکر از فرصتی که در اختیار من قرار دادید، باید عرض کنم بیان سابقه‌ی تاریخی بهائیان حقیقی و طرح دیدگاه‌ها و نظرات آنان و همچنین تشریح چگونگی انحراف و اختلاف پیش‌آمده در جامعه‌ی بهائی توسط ایادیان خائن و استمرار آن تاکنون به‌وسیله‌ی بیت‌العدل بدلی، در یک مصاحبه‌ی کوتاه مقدور نیست و نیاز به زمان طولانی و ارائه‌ی دلایل و مستندات مختلف در این موضوع دارد؛ بنابراین، دوستان علاقه‌مند و جویندگان حقیقت را به مراجعه به [وبگاه عهد و میثاق](#) و مطالعه و تأمل در مقالات بسیار ارزشمند و مستدل آن دعوت می‌کنم؛ ولی برای این که پرسش شما را بی‌پاسخ نگذاشته باشم، به‌طور مختصر، نکاتی را در این زمینه عرض می‌کنم.

بهائیان حقیقی (ارتدکس)، پیروان راستین حضرت بهاءالله هستند و سابقه‌ی تاریخی ایشان برمی‌گردد به زمان اظهار امر حضرت بهاءالله؛ زیرا آن‌ها از کلیه‌ی تعالیم و دستورات حضرت بهاءالله و تبیینات حضرت عبدالبهاء و اولیای امرالله به‌طور دقیق پیروی نموده و برخلاف کسانی که از یک مؤسسه‌ی بدلی و کاذب که به غلط خود را بیت العدل می‌نامد تقلید می‌کنند، اعتقاد دارند که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، جزء جدانشدنی و لاینفک از کتاب مستطاب اقدس است و مفاد آن تا پایان دوران دیانت بهائی به قوت و اعتبار خود باقی و برقرار خواهد بود.

هدف دیانت بهائی، وحدت عالم انسانی است و تنها با پیروی و اجرای فرامین و تعالیم و برقراری نظم نوین حضرت بهاءالله که حضرت عبدالبهاء آن را در الواح وصایای خود تشریح و تبیین و تدوین فرموده و شوقی افندی، اولین ولی امر دیانت بهائی، طی سی و شش سال دوران ولایت خویش با توضیح و تبیین آن، طی توقیعات متعدّد خود و به‌خصوص در کتاب دور بهائی، احبّا را از چگونگی آن آگاه نموده‌اند، تحقّق خواهد یافت.

به نظر ما در حال حاضر، به‌جز بیت عدل جنینی که شوقی ربّانی آن را تحت عنوان (شورای بین المللی بهائی) ایجاد نمودند، بیت عدل دیگری وجود ندارد. بیت عدل واقعی و مصون از خطا، بر اساس بیان مبارک حضرت عبدالبهاء، بیت عدلی است که ولی امرالله «رئیس مقدّس» و «عضو اعظم ممتاز لاینعزل» آن باشد؛ هم‌چنین مقرّر فرموده‌اند که اگر بنا به دلایلی ولی امرالله نتواند در جلسات بیت عدل حضور یابد، نماینده‌ای تعیین نماید تا به نیابت از ایشان در جلسات بیت العدل حاضر گردد.

این که افرادی که ولایت امرالله را انکار می کنند و اولین ولی امر بهائی را متهم می سازند که به مهم ترین وظیفه‌ی خود عمل ننموده و جانشین خود را تعیین نکرده است و الواح مبارک وصایای حضرت عبدالبهاء را سندی تلقی می نمایند که کارآیی و اعتبار خود را از دست داده و دستورات صادره در آن دیگر قابل اجرا نمی باشد، بیایند در انتخاباتی، افرادی مانند خود را به عضویت بیت العدلی جعلی انتخاب نمایند (برفرض این که انتخاب آن ها درست و بدون هرگونه شائبه‌ای باشد)، بیت عدل عمومی یا اعظم ایجاد نخواهد شد!

شوقی افندی در کتاب توقیعات مبارکه (۱۹۲۲-۱۹۲۶)، صفحه‌ی ۲۴۰ فرموده‌اند:

«هر هیئتی که به نظام الهی و برحسب تعلیمات و اصول و شرایط سماویّه که در صحف الهیّه مشروحاً مثبت و مسطور است تشکیل نشود؛ آن هیئت از اعتبار اصلی و رتبه‌ی روحانی ساقط و از حقّ تشریح و وضع احکام و سنن و قوانین غیرمنصوصه ممنوع و از اشرف اسنی و قوه مطلقه‌ی علیا محروم.»

حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایای مبارکه، جایگاه ولی امرالله را در چنین بیت العدلی مشخص فرموده، می فرمایند:

«... در جمیع بلاد، بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل، بیت عدل عمومی انتخاب نماید. این مجمع مرجع کلّ امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حلّ گردد و ولی امرالله رئیس مقدّس این مجلس است و عضو اعظم ممتاز لاینعزل. و اگر در اجتماعات بالذات حاضر نشود، نائب و وکیل تعیین فرماید و اگر چنانچه عضوی از اعضا گناهی ارتکاب نماید که در حقّ عموم ضرری حاصل شود؛ ولی امرالله

صلاحیت اخراج او را دارد، بعد ملت شخص دیگر انتخاب نماید. این بیت عدل مصدر تشریعیست و

حکومت قوه تنفیذ.»

متأسفانه به دلیل عهدشکنی غالب ایادیان سابق و انحراف از تعالیم و دستورهای حضرت عبدالبهاء و نادیده انگاشتن تبیینات و پیامهای اولین ولی امرالله، تشکیلاتی که فعلاً برقرار است، هیچ یک در جایگاه خود قرار ندارد!

ملاحظه می فرمایید که اکثر بهائیان بیت العدلی از دیانتی سخن می گویند که با اصل و ریشه‌ی اولیه‌ی آن تفاوت‌های زیادی دارد و به نظر من نمی‌تواند مورد تأیید هیاکل مقدّسه باشد.

موضوع این انحراف بر می‌گردد به صعود شوقی ربّانی، اولین ولی امر دیانت بهائی، توضیح این که، در اواخر پائیز ۱۹۵۷، شوقی ربّانی به اتفاق همسرشان خانم روحیه ماکسول، به منظور خرید وسایل برای محفظه‌ی آثار به لندن سفر نمودند. ایشان در لندن به سرماخوردگی مبتلا شده و به ملکوت اعلی صعود فرمودند.

از چگونگی صعود شوقی ربّانی و علّت واقعی آن و اتفاقاتی که در آن چند روز در هتل محلّ اقامت ایشان به وقوع پیوسته است، اطلاعات موثقی در دست نیست. توضیحات ضد و نقیض و شتاب‌زده‌ی خانم روحیه ماکسول نیز به‌عنوان تنها شاهد و ذینفع در ماجرا، چندان قابل‌اعتماد نیست. از سوی دیگر، واقعه‌ی مؤلمه‌ی صعود ولی امرالله، به اطلاع جناب میسن ری می، رئیس شورای بین‌المللی بهائی و بالاترین مقام اجرایی دیانت بهائی (بعد از شوقی ربّانی) نرسید! ایادیانی که توسط روحیه خانم از جریان مّطلع شده و خود را به لندن رسانده بودند، همان کسانی بودند که از صعود شوقی ربّانی منتفع شده و بعداً رهبری جامعه بهائی را به صورت نامشروع تصاحب کردند.

شوقی افندی در زمان حیات به صورت عملی، جانشین بعد از خود را با انتصاب جناب میسن ریمی به ریاست بیت العدل جنینی معین فرمودند؛ به همین دلیل، جامعه بهائی، از جایگاه جناب میسن ریمی نزد حضرت عبدالبهاء و شوقی افندی مطلع بودند و ایشان را تنها جانشین بعد از شوقی ربّانی می دانستند؛ ولی برخی از ایادیان امر، از خلاء موجود سوءاستفاده کرده و به بهانه‌ی عدم معرفی مکتوب جانشین توسط شوقی افندی، بدون استحقاق و صلاحیت، خودشان رهبری جامعه بهائی را تصاحب کردند و در مدّت شش سال حکومت نامشروع بر جامعه‌ی بهائی، همه‌ی مخالفین و معترضین خود را به بهانه‌ی حفظ وحدت قلع و قمع و از جامعه بهائی طرد کردند؛ این در حالی بود که نصوص مقدّسه اجازه‌ی طرد را فقط به ولیّ امرالله تفویض کرده بود!

بنابراین جناب میسن ریمی، رئیس شورای بین‌المللی بهائی و منصوب شوقی ربّانی و یادگار حضرت عبدالبهاء را از جامعه‌ی پیروان اسم اعظم طرد کردند و سرانجام به تأسیس بیت العدلی پرداختند که برخلاف نظامات بهائی، فاقد هرگونه عصمت و نیز وجاهت قانونی و مشروعیت و محروم از حضور ولیّ امرالله زنده در رأس آن بود!

این حرکت ایادیان، باعث اختلاف و شکاف در جامعه‌ی بهائی گردید و دیانت بهائی به دو گروه بهائیان حقیقی و بهائیان پیرو بیت العدل حیفا تقسیم شد؛ گروه اوّل معتقدند که سلسله‌ی ولات امر پس از شوقی ربّانی ادامه دارد و مشروعیت بیت العدل منوط به حضور دائم ولیّ امرالله یا نماینده‌ی او در جلسات بیت‌العدل است و گروه دیگر کسانی هستند که ادّعا دارند، شوقی ربّانی جانشینی ندارد و بیت‌العدل فعلی می‌تواند به تنهایی و بدون حضور ولیّ امر و مبین آیات، عهده‌دار رهبری جامعه‌ی بهائی گردد.

- بهائیان پیرو بیت العدل بدلی ادعا دارند که تعداد بهائیان ارتدکس در دنیا بسیار اندک است، در حالی که طرفداران بیت العدل فعلی اکثریت بهائیان جهان را تشکیل می‌دهند.

اولاً هیچ‌گاه حقانیت و درستی یک عقیده را با تعداد طرفداران آن نمی‌سنجند! اگر تعداد پیروان یک دیانت، ملاک حقانیت آن باشد، دیانت بهائی در مقابل دیانت حضرت کلیم، حضرت مسیح و دیانت اسلام جایگاهی ندارد!

در ثانی، بهائیان ارتدکس در طول شصت سال گذشته، با یک نسل‌کشی عقیدتی مواجه بوده‌اند. بیت‌العدل بدلی و عوامل آن، به انحای مختلف، بهائیان ارتدکس را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند و با حربه‌ی طرد روحانی، خانواده‌های بسیاری را از هم پاشیده‌اند!

بیت العدل بدلی، معتقدان به تداوم ولایت امر را به‌دروغ، ناقض عهد و میثاق معرفی می‌نماید و هم‌چون جذامیان با آنان برخورد می‌کند! اگر یک بهائی بیت العدلی بخواهد با یک بهائی حقیقی مرادده داشته باشد و یا یک پدر بهائی بخواهد با فرزند ارتدکس خود تماس بگیرد، خودش و خانواده‌اش در معرض خطر طرد قرار می‌گیرند! تعداد زیادی از بهائیان طرفدار جناب میسن ریمی به‌خاطر حفظ کانون گرم خانواده و جمع دوستان خود، یارای ابراز عقیده ندارند! تعداد زیادی از بهائیان ارتدکس به‌خاطر ابراز عقیده و مخالفت با بیت العدل بدلی، تحت فشار قرار گرفته‌اند؛ شغل خود را از دست داده‌اند، همسرانشان مجبور به طلاق و جدایی شده‌اند و خانواده‌هایشان از هم پاشیده است!

حتی در آمریکا، بهائیان ارتدکس را به‌دلیل استفاده از عنوان «بهائی» به دادگاه کشانده و از ایشان شکایت کردند (هرچند که نهایتاً در دادگاه خودشان محکوم شدند)! ایادیان، اموال و دارایی‌های شوقی ربّانی و

جامعه‌ی بهائی را به غارت برده و رئیس شورای بین‌المللی بهائی را که صاحب اصلی آن اموال بود از آن محروم کردند! با وجودی که خود عامل اختلاف و انشعاب بودند، ولی به‌دروغ، انگشت اتهام را به سوی بهائیان حقیقی نشانه رفتند!

به جامعه بهائی اعلام کردند که ما در دیانت بهائی انشعاب نداریم و احبّاء را بی‌اطلاع از حقیقت باقی گذاشتند! به پیروان خود اعلام کردند که به مقالات، نوشته‌ها و سایت‌های بهائیان حقیقی مراجعه نکنند و در مقابل استدلال منطقی، از حربه‌ی فحش و ناسزا و توهین به ولات امرالله و بهائیان ارتدکس استفاده کردند و اعمالی را مرتکب شدند که انسان از بیان آن شرم می‌کند! این‌گونه رفتارهای قرون وسطایی که مصداق بارز نسل‌کشی روحانی است، از سوی کسانی که ادّعی مصونیت از خطا می‌نمایند پیوسته صادر شده و می‌شود!

• **تشکیلات بیت العدلی ادّعا دارد که به دنبال تحرّی حقیقت و ایجاد وحدت عالم انسانی است و با همه‌ی آحاد بشر با دوستی و محبّت رفتار می‌کند، به نظر شما برخوردهای صورت گرفته با بهائیان ارتدکس چطور می‌تواند با تعالیم یاد شده هم‌خوانی داشته باشد؟**

این ادّعا دروغ و کذب محض است و اصلاً واقعیت ندارد! بیت العدل، چشم دیدن یک مخالف و حتی یک پیروی منتقد را نیز ندارد! آن‌ها به جای ترویج دوستی و محبّت با هم‌کیشان، تخم کینه، بدبینی و دشمنی را در دل پیروان خود کاشته‌اند! در طول پنجاه سال گذشته، بیش از دویست نفر از احبّاء به دلیل حمایت از جناب میسن ریمی و طرفداران ایشان، توسط ایادیان امر و بیت العدل بدلی به ناحق طرد شده و از جامعه‌ی بهائی اخراج گردیده‌اند!



هیچ کس سؤال نکرد که جرم افراد اخراج و به ناحق طرد شده چه بود؟! مگر چه تعرّضی به جامعه‌ی بهائی نموده بودند که مستحقّ مجازات و تحقیر گردیدند و سلام و کلام با آنها ممنوع شد؟!

- تشکیلات بهائی ادّعا دارد که بهائیان ارتدکس، بیت‌العدل را نامشروع می‌دانند، به مدیریت آن انتقاد دارند و به‌نوعی دشمن بیت‌العدل و تشکیلات بهائی هستند؛ بنابراین شاید با این تصوّر بتوان دشمنی بیت‌العدل با بهائیان ارتدکس را توجیه نمود.

اولاً انتقاد ما به نامشروع بودن بیت‌العدل، باز می‌گردد به نصوص بهائی! ما به استناد نصوص موجود، اثبات می‌کنیم که بیت‌العدل فعلی بر حق نیست! این دشمنی نیست؛ بلکه بیان واقعیت است! تازه، این مخالفت ادّعایی، از حدّ گفتگو و کلام نیز تجاوز نکرده است! ما تاکنون به کدام هم‌کیش بهائی تعرّض کرده و یا از او شکایت کرده‌ایم و یا به او آزار رسانده‌ایم؟!

در ثانی، فرض کنیم ما دشمن بیت‌العدل بدلی هستیم؛ مگر حضرت عبدالبها نفرمودند تا با دشمنان خود نیز به نیکی رفتار کنید و آنان را دوست بدارید؟! چه کسی گفته است که ما ناقض میثاق هستیم و شما ثابت بر پیمان و دوستدار دیانت بهائی؟! تشخیص این موضوع با کیست؟! در نصوص بهائی، تشخیص بیماری نقض، فقط و فقط در حیطه‌ی مسئولیت و اختیار اختصاصی ولی امرالله است! گروه ایادیان و بیت‌العدل بدلی به هیچ‌وجه مشروعیت و صلاحیت ندارند تا مؤمنین و پیروان دیانت بهائی و حضرت بهاءالله را خودسرانه از جامعه بهائی اخراج و طرد نمایند!

از همه این حرف‌ها گذشته، بهائیان ارتدکس، به غیر از آن که بر حق هستند، بر اساس منشور حقوق بشر، انسان هستند و باید از حقوق انسانی و حقّ زندگی، حقّ مراوده و معاشرت با دیگران، حقّ ابراز

عقیده و حقوق انسانی دیگر بهره‌مند باشند! این حقوق را خداوند به بشر اعطا نموده است، بیت العدل به‌صرف این‌که در موضع قدرت نشسته است، هیچ‌گاه اجازه‌ی سلب این حقوق خدادادی آن‌ها را نخواهد داشت!

- از این‌که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، متشکرم و امیدوارم اجازه داشته باشم تا در فرصت‌های دیگر مجدّد مزاحم شما باشیم.
- با کمال میل و سپاسگزارم از این‌که من را تحمّل کردید.

## وبگاه عهد و میثاق

وبگاه رسمی بهائیان ارتدکس ایران

<https://ahdvamisagh.wordpress.com>